

شبکه‌های اجتماعی؛ عضو تحمیلی خانواده‌ها

فضای مجازی، گفت‌وگو و همدلی را در برخی خانواده‌ها به خاطره تبدیل کرده است...



فضای مجازی، گفت‌وگو و همدلی را در برخی خانواده‌ها به خاطره تبدیل کرده است
شبکه‌های اجتماعی؛ عضو تحمیلی خانواده‌ها

بیش از آن‌که شبیه اعضای یک خانواده باشند، اجتماعی از آدم‌های پراکنده‌اند که در یک چهاردیواری به نام خانه، دور هم جمع شده‌اند. هرکسی سر در لاک خود فرو برده است. یکی ریز ریز با خودش می‌خندد و آن یکی با سرعت در حال تایپ کردن است. در این خانواده‌ها، حرف زدن چیز غریبی است. انگار حرف زدن با همدیگر، نوعی اتلاف وقت یا ایجاد مزاحمت برای همدیگر است.

تعداد این خانواده‌ها هم کم نیست. با ورود انواع و اقسام شبکه‌های اجتماعی و نرم افزارهای مبتنی بر تلفن همراه، اعضای این خانواده‌ها روز به روز در لاک تنهایی خود فرو می‌روند و از این عزلت، لذت می‌برند. حتی خیلی از والدین با دیدن بچه‌هایشان که در گوشه‌ای از خانه کز کرده و غرق دنیای مجازی هستند، احساس خوشایندی دارند و تصور می‌کنند فرزندشان سر به راه و متین است. این گروه از والدین، چندان هم بدشان نمی‌آید که با خرید یک تبلت یا تلفن همراه، کودک را به خودش مشغول کنند. از دید این والدین، گشت و گذار کودکان در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، بهتر از این است که کودکشان در خیابان‌ها، عاطل و باطل بگردد و با رفقای ناباب آشنا شود. حتی خود این زن و شوهرها به لطف فناوری‌های نوین، وقت چندانی برای گپ و گفت و درد دل کردن ندارند. هرکدامشان عضو چندین شبکه اجتماعی، گروه و کانال مختلف مجازی هستند و سرزدن به این شبکه‌ها برای آنها صدچندان جذاب‌تر از گفت‌وگو با اعضای خانواده است.

این سنگریزه‌های جدایی و بی‌مهری، روز به روز روی یکدیگر تلنبار می‌شوند تا جایی که بین همه اعضای خانواده، دیواری بلند قد می‌کشد. معمار این دیوار بلند هم عضو تحمیلی خانواده‌هاست، یعنی همین شبکه‌های اجتماعی که ساختار خیلی از خانواده‌ها را به هم زده و طرحی نو از خانواده ایرانی در انداخته است.

گسترش خودمحوری در خانواده‌ها
شبکه‌های اجتماعی را می‌شود کانالی جدید در مجموعه کانال‌های اجتماعی کردن خانواده‌ها تعبیر کرد. دکتر منصور ساعی مدیر گروه فرهنگ و ارتباطات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی در گفت‌وگو با جام‌جم، این کانال جدید اجتماعی شدن را فرصتی می‌داند که در خیلی از خانواده‌ها، بوی تهدید به خود گرفته است؛ در خیلی از خانواده‌ها، شاهد کاهش ارتباطات درون خانواده‌ای هستیم، طوری که شبکه‌های مجازی، جایگزین گفت‌وگو شده و حتی این جمع‌زدایی به خودمحوری اعضای خانواده دامن زده است. بین فردگرایی و خودمحوری هم از نگاه ساعی، فرق زیادی وجود دارد. به گفته او، یکی از کارکردهای مثبت خانواده، تقویت فردگرایی است یعنی فرد در عین حال که در مسیر موفقیت شخصی‌اش حرکت می‌کند، به نیازهای اعضای خانواده هم توجه دارد، اما با ظهور شبکه‌های اجتماعی، این کارکرد خانواده‌ها هم کمرنگ شده و افراد به سمت خودمحوری و جمع‌زدایی سوق پیدا کرده‌اند؛ طوری که فقط به نیازهای خودشان توجه می‌کنند و همدلی و حفظ حرمت در کانون خانواده برایشان اولویت ندارد.

غریبه‌هایی با برجسب اعضای خانواده
شناخت ناکافی اعضای خانواده از همدیگر، آسیب رایجی است که این شبکه‌های اجتماعی به بار آورده‌اند. وقتی اعضای خانواده، هیچ وقتی برای همدیگر نداشته باشند، طبیعی است که به شناخت درستی از یکدیگر نمی‌رسند. در واقع تبدیل به دو غریبه می‌شوند که در ظاهر عضو یک خانواده‌اند، اما هیچ علاقه‌ای به شناخت همدیگر ندارند. برای این غریبه‌ها، یک لحظه جدایی از این فناوری‌ها، غیرقابل تحمل است. به گفته ساعی، این شبکه‌های اجتماعی، ساختار اوقات فراغت این خانواده‌ها را نیز به هم زده‌اند؛ از آنجا که شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی به‌طور شناور در تمام لحظات اعضای خانواده حضور دارند، مفهوم اوقات فراغت هم دچار بازتعریف شده است. مثلاً اگر تا دیروز خانواده‌ها برای اوقات فراغت به پارک می‌رفتند، حالا همین اوقات فراغت تحت تاثیر فضای مجازی قرار گرفته و اعضای خانواده در پارک هم غرق تلفن همراهشان می‌شوند.

باید سواد رسانه‌ای مردم را بالا ببریم
افسردگی اجتماعی، پیامد استفادۀ بی‌رویه از این شبکه‌های اجتماعی است. در این نوع افسردگی، شاید یک عضو خانواده به ظاهر از زندگی‌اش راضی باشد، اما از حضور مستمر در جمع‌های خانوادگی و دیگر گروه‌های اجتماعی، گریزان است.

آگاهی‌بخشی به مردم درباره مزایای شبکه‌های اجتماعی در حوزه آموزش، اشتغال و فرهنگ‌سازی، راهکاری است که ساعی برای حل این بحران پیشنهاد می‌دهد: باید سواد رسانه‌ای مردم را ارتقا بخشیم تا از زشتی‌ها و زیبایی‌های این رسانه‌های اجتماعی، آگاه باشند.

از خیانت تا توهم خیانت
شبکه‌های مجازی حالا مدت‌هاست که به عضو ثابت و البته تحمیلی بسیاری از خانواده‌ها تبدیل شده‌اند؛ عضوی بی

صدا و ساکت که تک تک اعضای خانواده را با خودشان همراه می‌کنند. فرقی نمی‌کند مخاطبشان چه کسی باشد؛ مادر، همسر یا فرزند. شبکه‌های مجازی کارشان را خوب بلدند و تمام حواس مخاطبانشان را به خودشان جلب می‌کنند. این موضوع مخصوصاً در شرایطی به یک بحران تبدیل می‌شود که در یک خانواده، زن و مرد هر دو زمان زیادی را در این شبکه‌ها صرف کنند.

محمدعلی جهانبخش، جامعه‌شناس و مدرس دانشگاه هم در همین رابطه نسبت به حس بی‌اعتمادی پیش آمده در کانون خانواده‌ها هشدار می‌دهد و معتقد است: شبکه‌های اجتماعی نمی‌توانند به‌طور مستقیم منجر به خیانت شوند، اما وقتی زوجین بدون کنترل زمان از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند و وقتی برای همسرشان نمی‌گذارند، نسبت به همدیگر دلسرد می‌شوند.

همین دلسردی هم می‌تواند سوءظن ایجاد کند و این شک را به دل زوج‌ها بیندازد که مبدا همسرشان در حال خیانت است. جهانبخش تاکید جدی دارد که نصیحت این مساله را حل نمی‌کند، بلکه باید اعضای خانواده را با آموزش و فرهنگسازی به مرحله اقناع رساند، طوری که ورود این عامل خارجی نتواند شیرازه خانواده‌ها را از هم بپاشد و اعضای خانواده بتوانند بین دنیای واقعی و مجازی، تعادل ایجاد کنند.

امین جلالوند